

راهاندازی پویش «مثل باغ انار»

بعد از اقدام جالب رضا صاحبی که محصول باغش را به جبهه مقاومت اهدا کرد، افراد زیادی انگیزه پیدا کردند تا با چشم‌پوشی از سود کالا و خدمات در این مسیر قدمی هر چند کوچک بردارند. همین شد که پویشی به نام «مثل باغ انار» راه افتاده است. برای نمونه می‌توان از اقدام مدیر مرکز تفریحی و ورزشی اقصی یاد کنیم که یک روز جمعه هزینه حاصل از حضور خانواده‌ها در این مرکز را به جبهه مقاومت هدیه کرده است. این مرکز در جاده قدیم قم - کاشان قبل از روستای زنبورک قرار دارد و خدمات تفریحی همچون تیراندازی با اسلحه بادی، موتور چهارچرخ، آموزش سوارکاری، قایق سواری، تیر و کمان، پینت بال، زیپ لاین، راپل، سیمپلاتور، پل معلق، مسابقه گروهی، سینما اردوگاه، بیگ بال، همراه با پیوست‌های شهدایی و مهدوی ارائه می‌دهد. در پوستر این پویش نوشته شده است: «وقتی دیدیم یه باغدار فروش میوه هاشو گذاشته برای جبهه مقاومت، گفتیم چرا ما این کار را نکنیم؟»



همشهری پایداری



نهیضت طلا

صفورا سادات امین جواهری
بزرگ‌تر علم اجتماعی

اولین روزهای پاییز ۱۴۰۳ را همراه با خبرهای ناگوار اقدامات ددمنشانه اسرائیل علیه مردم لبنان شروع کردیم. فضای مردم ایران در همدلی و یاری‌رسانی به خانواده بزرگ مقاومت فعال و کمک‌های مردمی و نهادی آغاز شد. این فضا با ترور ناجوانمردانه و ناباورانه رهبر حزب‌الله اوج گرفت. زنان ایرانی با اقتدا به زنان پیشران انقلاب اسلامی و پشتیبان دفاع مقدس پویش اهدای پول و طلا را کلید زدند. زنان ایرانی در نشست‌ها و محافل و مجالس معنوی زنانه با خودآگاهی کامل و با مقاصد عاطفی و معرفتی پویش اهدای طلا را به صورت کامل‌مردمی و خودجوش آغاز کردند. در نخستین بازتاب‌های رسانه‌ای از اهدای هدایا و نذورات زنان، پول و طلا و حتی برخی کالاها در کنار هم بازتاب داده می‌شد و تصویری که از این حرکت زنان مخیره می‌شد نوعی ایثار اقتصادی و حمایت اقتصادی برای تأمین منابع مالی مقاومت مبارزان لبنان بود. صدالبته ارزش مادی طلا از هر کالای دیگر و حتی وجه نقدی برتر است، اما همه ماجرا این نیست. ماجرای اهدای طلا، منظر زنانه‌ای در حمایت از جریان مقاومت دارد که اگر خوب نگریسته و فهم نشود، در بهترین حالت به حمایتی اقتصادی تقلیل می‌یابد. طلا برای زنان صرفاً ارزش مادی و اقتصادی ندارد، این کالای زینتی برای زنان موجب زینت آنان است. طلا برای زنان و جویی از وجوه جمالی آنان است. پس اهدای طلا توسط زنان در نخستین مرحله و منظر زنانه، نوعی ایثار وجودی است. در واقع زنان هنگام بخشیدن طلا برای حمایت از جریان مقاومت بخشی از ابعاد وجودی‌شان را می‌بخشند و آنچه زنان از آن می‌گذرند فراتر از قدرت انباشته شده اقتصادی‌شان، اسباب زیبایی و زینت آنهاست. زیبایی پویش اهدای طلا مرهون زیبایی ایثارشده‌ای است که در نیت این زنان نهفته است. از وجوه جمالی و ایثار بعدی از ابعاد وجودی زن که بگذریم، اهدای طلا برای زنان به مثابه اهدای بخشی از قدرت نهان خود در ساختار خانواده و اجتماع هم هست. در جامعه و زمانه ما که بعضی از زنان در ساختار سرمایه و بازار جایگاه و پناهگاه امنی برای سرمایه‌گذاری ندارند، اندوخته‌ها و پس‌اندازهای اقتصادی‌شان را به طلا تبدیل می‌کنند تا در روزهای مبادای زندگی خانوادگی و اجتماعی بتوانند پر قدرت در میدان حاضر شوند و مادر پاییز ۱۴۰۳ می‌بینیم که زنان با سرمایه اقتصادی‌شان با قدرت و استوار وارد اثرگذاری بر عرصه بین‌المللی شدند و با اهدای سرمایه اندوخته‌شان در جبهه حق ایستادند و در این برهه تاریخی در حاشیه تاریخ نشستند.

نذر خاص باغدار قمی برای کمک به جبهه مقاومت

جهاد سرخ انارها

که یک سال برای زحمت کشیده بود. با خودش قرار گذاشت حالا که هر کسی با هر توانی گوشه‌ای از جریان مقاومت را گرفته، انارهای باغش را برای شادی مردم جنگ‌زده غزه هبه کند. نکته جالب‌تر نحوه رساندن ثمره باغ به جبهه مقاومت است که خوانش این روایت از زبان «رضا فرهادی» صاحب باغ خواندنی است.

آناز عباسیان
دلش خون بود مثل انارهای باغش. دلش خون بود مثل دل هزاران پدری که در غزه پرپر شدند پاره‌های تنش را دیدند، تا اینکه کسی از این خون دل خوردنش را کم و دلش را سبک کرد. همین که فرمان مقام معظم رهبری در حمایت از مردم مظلوم غزه را شنید، دست شست از محصول باغی

باغی که سنگر شد

«به میزبانی انارهای بهشتی دعوتید، قرار مان: پنجشنبه، ساعت ۱۴، جاده قدیم قم - کاشان روبه‌روی پادگان خیبر، قبل از پمپ بنزین، علامت پرچم»؛ همین پیام کافی بود تا دوست و آشنا حتی غریبه مهمان باغ فرهادی شوند. وقتی خبر به گوش یکی از دوستان آقارضا رسید، بانی شد تا با وعده مختصری به نیت حضرت زهر(س) از مهمانان باغچه پذیرایی کند. دوستی که هر سه‌شنبه در طریق المهدی مسیر قم تا جگرمان موکب دارد و حالا می‌خواست در کار خیر آقارضا شریک شود و بساط موکبش را پنجشنبه در باغچه او پهن کند. آقارضا و همسرش هم تصمیم گرفتند جای آتشی به‌دست مهمان‌ها بدهند و خاطره آن روز را برایشان ماندگارتر کنند. جالب اینکه از شهرهای مختلف شمالی و حتی جنوب ایران برای خرید چند کیلو انار به باغ او آمدند و مبلغی چندین برابر قیمت واقعی انار برای جریان مقاومت هزینه کردند.

انارهایی که نذر مقاومت شدند

خوش به حال این میوه‌های بهشتی که از زمین باغداری در قم طعم و رنگ و لعابی گرفتند تا سببی باشند برای شادی مردم مظلوم و آواره آن سوی مرزها. چه خوب عاقبت به خیر شدند. اما عاقبت به خیر تر از همه «رضا فرهادی» صاحب باغ است. خودش می‌گوید: «من باغدار و کشاورز نیستم. شغل اصلی‌ام تولید و عرضه محصولات فرهنگی و شهدایی است. شک ندارم که این باغ هم از برکتی است که شهدا به مال کم برکت می‌دهند. امسال در نزدیکی‌های کاشان یک باغ ۱۵۰۰ متری به حدود ۵۰۰ درخت انار گرفتم و اسمش را حدیقه‌الشهدا گذاشتم. دوستانم می‌گفتند حتماً می‌خواهی اینجارا هم حسینی کنی! حتی به نیت شهدا چند نخل هم داخل باغ کاشتم. راستش از همان اول هم نیت کرده بودم بخشی از محصول باغ را هر سال صرف کار خیر کنم. اول پاییز وقتی نخستین محصول باغ به نمر نشست هم‌زمان شد با فرمان حضرت آقا. از بیش از یک تن و اندی انار، فقط به قدر خوردن نوبرانه برای خانواده برداشتم. خوشبختانه اهل خانه هم حمایت کردند. بیشتر از همه همسرم که حتی می‌گفت این مقدار کم نوبرانه هم هدیه به جبهه مقاومت شود.»



حمایت از غزه پول کلان نمی‌خواهد

پیام استقبال شد. نه تنها آشنا بان و همشهری‌ها که از شهرهای مختلف و آدم‌های غریبه هم مشتری انارهای باغ شدند. با این کار چند هدف داشتیم. هم می‌خواستیم یک روز به یادماندنی برای دوست و آشنا در باغ انار فراهم کنیم و هم آنها را در کمک به جبهه مقاومت شریک و همراه کنیم. می‌خواستیم بگویم که کمک به مردم جنگ‌زده غزه و لبنان، ثروت کلان و طلای زیادی نمی‌خواهد. هر کسی در هر جایگاهی می‌تواند به دعوت حضرت آقا لبیک بگوید. حالا ممکن است زن خانه‌دار باشد یا یک کارمند یا باغدار و کشاورز. مهم نیت است. حتی همان کسی که به باغ آمد و یک کیلو انار خرید هم حامی مردم مظلوم است. اتفاقاً به همین خاطر است که این کار کوچک ما خیلی رسانه‌ای شد. اینکه با ساده‌ترین چیزها مثل همین انار هم می‌شود به جنگ با اسرائیل رفت.»

نحوه کمک این باغدار ۴۳ ساله به جریان مقاومت هم خودش ماجرای دارد. ما هم مثل خیلی‌ها تصور کردیم او محصولش را راجیده و در بازار فروخته و دست آخر پول حاصل از فروش انارها را به جبهه مقاومت هدیه داده است. اما این فعال فرهنگی به این روش بسنده نکرده و با نحوه فروش متفاوت محصولش هم فرهنگسازی کرده است. خودش اینطور تعریف می‌کند: «دوست داشتم دیگران را هم به این دست کارها تشویق کنم. ایده‌ای به ذهنم رسید. در گروه‌های خانوادگی و دوستانه در شبکه‌های مجازی پیامی ارسال کردم با این محتوا: «سلام دوستان بفرمایید انار! با سلیقه خودتون انار بچینید یا قیمت مناسب. مبلغ خرید انار را به حساب دفتر آقا برای جبهه مقاومت واریز کنید. قیمت پیشنهادی هر کیلو انار ۲۰ هزار تومان.» باور تان نمی‌شود که چقدر از این

